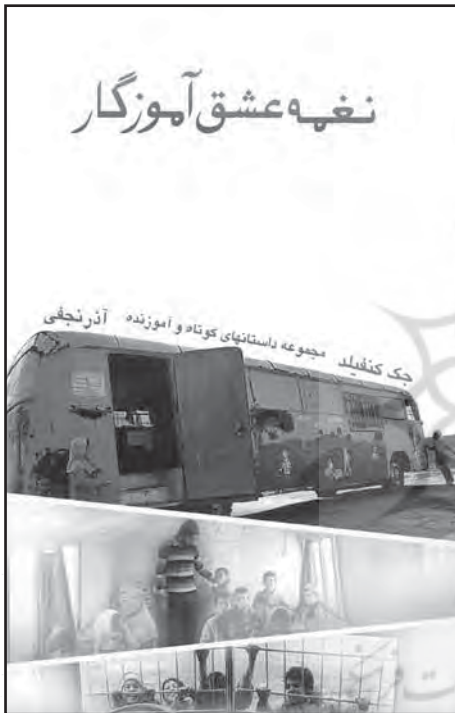


# نغمه‌ی عشق آموزگار

معصومه حبیب‌پور



ارتباط شاگرد و معلم و تأثیر این دو بر یکدیگر گاه تا پایان عمر، همراه آدمی است. به همین دلیل در محیط تعلیم و تربیت انگیزه‌ها و رویدادهایی پیش می‌آید تا یکی مانند آموزگار به آن حوادث و تجربه‌ها جلب شده، در راستای ثبت و درج آن‌ها بکوشد. «نغمه‌ی عشق آموزگار» از آن دسته کتاب‌هاست که توسط یک آموزگار به نام **جک کنفیلد** نوشته و گردآوری شده است.

او به خاطر رشته‌ی تحصیلی و مطالعاتش از تاریخ و مکاتب کشورهای جهان و به‌خاطر تدریس، خاطره‌ها و داستان‌هایی را از دیده‌ها و شنیده‌های خود در مدرسه دارد که می‌تواند آموزش آموخته‌های زندگی در محیط آموزش و پرورش قلمداد شود. او در ۱۳۵ صفحه، ۴۰ داستان یا خاطره نوشته است تا به مخاطب و یا دانش‌آموز خود بگوید: «تو اعجاز خلقتی! تو منحصر به فردی! تمام سال‌هایی که از عمر دنیا گذشته است، کودکی شبیه به تو به دنیا نیامده است.»

نشر پنجگاه در تهران (۴۴۲۱۴۵۵۲-۰۲۱) این کتاب را با ترجمه‌ی **آذر نجفی** در سال ۱۳۹۰ به قیمت ۳۰۰۰ تومان روانه‌ی بازار چاپ و نشر کرده است.

مطالب کتاب با توجه به ظرایف و لطایفی که در هر یک از داستان‌ها وجود دارد و نیز حجم کوتاه هر یک می‌تواند در شورا‌های معلمان، جلساتی که برای قدردانی از زحمات معلمان کشیده می‌شود و حتی در برنامه‌های آغازین مدرسه‌ها برای دانش‌آموزان خوانده می‌شود. برخی از داستان‌های این کتاب پیش از این با ترجمه‌ی خانم‌ها **پروین قائمی** و **تهمینه مهربانی** در رشد آموزش ابتدایی به چاپ رسیده

است. هم‌چنین این کتاب از لحاظ سبک و موضوع به کتاب «نغمه‌ی عشق» که پیش از این توسط خانم پروین قائمی ترجمه شده و بارها توسط نشر درنا چاپ شده است، مشابهت دارد.

با ذکر عنوان چند بخش از کتاب به نام‌های «در ستایش معلمان»، «طرح درس»، «باد زیر بال‌ها»، «دوست داشتن خود»، «شاگرد کوچولو»، «همه‌چیز درست می‌شود»؛ توجه خوانندگان گرامی را به مطالعه‌ی داستان «روی آن یادداشت» جلب می‌کنیم.

«یک سال موقعی که در کلاس دوم درس می‌دادم، اواسط سال شاگرد جدیدی به کلاس آمد. اسم او دانیل بود و شور و نشاط و نور خاصی را به کلاس من آورد.

یک روز بعد از کلاس، دانیل نزد من آمد و گفت:

– خانم جانسون! از معلم قبلی‌ام برای شما یه یادداشت دارم. این یادداشت روی کاغذ نیست. توی مغز منه. بعد کمی جلوتر آمد و آرام گفت:

– اون از من خواست به شما بگم، خیلی آدم خوش‌شانسی هستین که من توی کلاستون هستم!»